

«نقش احسان و انفاق در تجلی حیات طیبه»

شهلا اسمعیل لو^۱

چکیده:

یکی از سفارش‌های مهم اخلاقی قرآن، همدردی و همدلی با دیگران و به فریاد آنان رسیدن است. آیات و روایات فراوانی انسان را به انفاق تشویق کرده است و از بخل و حرص برحذر داشته است. همچنین در آیات قرآن واژه‌ی احسان به معنای انجام دادن کار نیک می‌باشد که جامع‌ترین برنامه‌ی اجتماعی که خداوند به آن فرمان داده عدل و احسان است و تمام هستی بر پایه‌ی عدالت استوار است و خداوند بلافاصله بعد از عدل دستور به احسان داده و حل مشکلات را علاوه بر عدالت نیازمند ایثار و گذشت و فداکاری و انفاق در راه خدا و جهاد و صدقه به تهیدستان و مسکینان و... که با اصل احسان تحقق می‌یابد همچنین در کنار احسان به انفاق هم تأکید شده است که به معنای خارج کردن چیزی از ملک خود برای دیگران می‌باشد. در این تحقیق به نقش احسان و انفاق در تجلی حیات طیبه پی خواهیم برد؛ همچنین به آثار احسان و انفاق در حیات طیبه می‌پردازیم. به اینکه چگونه می‌توان در این دنیا بهشت را به دست آورد، می‌رسیم. در ضمن این مباحث نیز با تعدادی شبهات و سؤالات در مورد احسان و انفاق مطرح است، بحث خواهیم کرد.

کلیدواژه: احسان، انفاق، تجلی، حیات طیبه.

مقدمه:

«انفاق» و «احسان» ودیعه‌ای الهی از عرش کبریایی برای انسان خاکی است که در آن انسان در این عمل از یک سو نظر به وجود الهی و از سوی دیگر، نگاه به خلق خداوند دارد. «انفاق» در منابع اسلامی معنای عامی داشته که اعم از اعطای مادی است و نقش به‌سزایی در آرامش و سلامت معنوی انسان دارد. یکی از بزرگ‌ترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن حقوق الناس و حقوق الله مورد اهتمام قرار داده، انفاق، زکات، خمس، کفارات مالی و صدقات است. جامع‌ترین برنامه‌های اجتماعی که خداوند به آن فرمان داده عدل و احسان می‌باشد. انفاق و احسان راهی است که به بهشت منتهی می‌شود و حیات طیبه‌ی انسان را تضمین می‌کند. از شرایط انفاق این است که از بهترین قسمت مال انتخاب شود، نه از اموال کم‌ارزش، انفاق اگر

^۱ طبله‌ی سطح ۲، حوزه علمیه خواهران الزهرا(س)، خوی

مخفی باشد بهتر است. به هنگام انفاق نباید منت گذاشته شود و نباید انفاق کننده آن را بزرگ بشمارد. از آثار انفاق و احسان می توان به محبوبیت در بین مردم، بزرگی و عظمت و کفاره گناهان و... اشاره کرد. برخورداری از ثواب مجاهدان و شادی در روز قیامت از پاداش انفاق کنندگان است. کمرشکنی شیطنت شیطان به وسیله ی انفاق و صدقه است. انفاق باعث فقرزدایی در جامعه و عمران شهرها و روستاها و بیمه کردن مال می شود، انفاق خارج کردن چیزی از ملک خود برای دیگران است. هر آنچه انسان آن را نیکی و احسان می داند آن نزد خدا نیکی ست از انفاق کنندگان نمونه می توان بعد از رسول خدا(ص) به حضرت علی(ع) و فرزندان ایشان اشاره کرد.

خداوند، عده ای را محتاج انفاق قرار دادن و این آزمون و آزمایش برای انسان هاست. در این مقاله بر آنیم که با اشاره گذرا به معانی و مصادیق احسان و انفاق در آیات و روایات و با روش تحلیلی و توصیفی به نقش احسان و انفاق برای رسیدن به حیات طیبه برسیم.

پیشینه:

درباره ی مسئله ی انفاق، تحقیقات گوناگون نوشته شده و از ابعاد و زوایای گوناگون آن را بررسی نموده اند؛ از جمله:

۱- کاظمی و داوودی (۱۳۹۹) در مقاله ی نسبت نقش اجتماعی و اقتصادی انفاق از منظر قرآن شرایط انفاق ایمان، پرهیز از منت گذاشتن، خودداری از ریا، انفاق از مال حلال و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی انفاق همدردی با محرومین و ستضعفین جامعه، فقرزدایی از جامعه، جلوگیری از فساد در جامعه را مورد بررسی قرار داده اند.

۲- جمالی و خلیلیان اشکذری (۱۳۹۹) نیز در مقاله ی انفاق، ایثار و مواسات مالی و نقش هر یک در توزیع درآمد و ثروت جامعه ی اسلامی معتقدند، انفاق و ایثار آثار و برکات فراوانی را به دنبال دارد؛ از جمله تضمین پرداخت داوطلبانه تقویت قرابت و نزدیکی مردم با نظام اسلامی، عدالت اقتصادی، کاهش فقر، امنیت اقتصادی، حذف واسطه های غیر لازم، تسریع ظهور آثار توزیع ثروت، اشتیاق مردم به توزیع ثروت، کاهش مشکلات اجتماعی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی های به عمل آمده مشخص شد که در مورد نقش انفاق و احسان در تجلی حیات طیبه پژوهشی انجام نشده است؛ لذا در این مقاله برای اولین بار نقش انفاق و احسان در تجلی حیات طیبه بر اساس آیات و روایات پرداخته شده است.

الف: مفهوم‌شناسی

معنای لغوی انفاق

واژه‌ی انفاق مصدر باب افعال از ریشه‌ی «نَفَقَ» به معنی گذشتن از هر چیزی و از بین رفتن آن یا تمام شدن آن چیز است.^۱ و در اصطلاح قرآنی بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه یا بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا به آن فرمان داده است می‌باشد.^۲

بنابر این انفاق سبیل الله از زیرمجموعه‌های انسان می‌باشد. انفاق فی سبیل الله کاری است که توقع کار دیگری در ازای آن از طرف مقابل نمی‌رود و آن‌چنان که قرآن مجید در وصف آن از قول افراد محسن و نیکوکار نقل می‌کند، این کار را تنها برای خدا انجام می‌دهند.^۳ احسان مصدر باب افعال از ریشه‌ی «حَسَنَ» است.^۴ حُسْنُ (مصدر و ؟؟؟ مصدر)^۵ در مقابل سُوء و سُوءٌ بدی و بد شدن^۶ و نیز قُبْحٌ زشتی و زشت شدن به کار رفته و متناسب با موارد کاربرد در معنای اسم مصدری آن مفهوم زیبایی، خوبی و نیکی و شایستگی را می‌رساند.

معنای اصطلاحی احسان

احسان رساندن نفع نیکو و شایسته ستایش به دیگری.^۹ کاری که از سر آگاهی و به شکل شایسته انجام پذیرد.^{۱۰}

^۱ راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۵۰۲.

^۲ طبرسی، ج ۲، ص ۵۱۵.

^۳ انسان، ۸۹.

^۴ فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب العین، ص ۱۸۰.

^۵ ابن فارسی، المدنی فارس، مقابیس اللغة، ج ۲، ص ۵۸.

^۶ مصطفوی، حسن، التحقيق، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۲۲.

^۷ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۱۴.

^۸ ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، ج ۲، ص ۵۷.

^۹ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۲، ص ۱۵۳.

^{۱۰} همان، ج ۶، ص ۱۸۹.

دو فایده انفاق در کلام امام خامنه‌ای

امام کاظم(ع) إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمِينُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خداوند در زمین بندگانی دارد که برای بر آوردن نیازهای مردم می‌کوشند. اینان ایمنی یافتگان روز قیامت‌اند.^۱

امام خامنه‌ای

اصل قضیه دل‌کندن از تعلقات است.

انفاق دارای دو فایده است:

یک فایده، فایده نقد و تخلف‌ناپذیر و همگانی، و آن عبارت است از فایده‌ای که بر انفاق‌کننده می‌رسد. و فایده‌ی دوم: فایده متحمل و نه‌چندان همگانی که به انفاق‌شونده می‌رسد. درست عکس آن چیزی که در تصور عمومی وجود دارد. همه خیال می‌کنند ما که انفاق می‌کنیم و خرج می‌کنیم به انفاق‌شونده، یعنی به آن کسی که پول می‌دهیم فایده می‌رسد، در حالی که این‌طور نیست، یعنی قبل از آن که به او فایده برسد، اولین فایده به ما که انفاق می‌کنیم رسیده است.

من یک وقتی در گذشته پیرامون بحث انفاق و زکات می‌گفتم شما که دست در جیب کردی و این پول را در آوردی تا رساندی دست گیرنده فایده بردی و واقعیت همین است. چرا؟ چون اصل قضیه دل‌کندن از آن چیزی است که شما آن را متعلق به خودتان می‌دانید و این کار بزرگ است، که در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

کسی که نگاه داشته شود از شح او رستگار است و مشکل دنیای امروز همین است. فایده‌ی دوم آن فایده‌ای است که به انفاق‌شونده می‌رسد. لکن این فایده‌ی دوم مشکوک است و همیشه چنین فایده‌ای مترتب نمی‌شود.

گاهی شما انفاق می‌کنید در جای خودش نیست. انفاق می‌کنید اما شرایط دیگری برای خوشبخت شدن آن شخص یا آن جمع وجود ندارد، یعنی پول به‌دستشان رسیده، اما نتوانسته‌اند استفاده کنند. شرایط دیگری نبوده، پس وقتی شما انفاق می‌کنید نمی‌توانید یقین

^۱ الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷.

داشته باشید که به آن فایده‌ی دوم که رسیده به پر کردن خلا است حتماً رسیده‌اید، البته این شک نباید موجب شود تا انسان انفاق نکند بلکه باید انفاق بکند ولو مشکوک باشد که در طرف مقابل به نتیجه برسد یا نه. اما آنچه که هرگز تخلف نمی‌شود آن فایده‌ای است که به انفاق‌کننده می‌رسد.

پس تقوای مطلوب قرآن یعنی آن حداقل لازم برای متقی بودن است. «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»

این انفاق چیز بسیار خوبی است! در هر حدی که هستید عادت کنید به انفاق کردن. البته انفاق فقط انفاق پول نیست، انفاق علم هم انفاق است، همان وقتی که بیکار هستید و می‌توانید کمک کنید به بی‌سوادی و نادانی، دانش‌تان را انفاق کنید و همین انفاق هم اتفاقاً اول فایده‌اش به خودتان می‌رسد. یعنی پیش از این که دیگری از علم شما استفاده کند وقتی آن علم را تکرار می‌کنید استفاده‌اش به خود شما می‌رسد، یا انفاق وجاهت، وجاهت اجتماعی و آبرویتان را انفاق کنید! یک جایی ممکن است آبروی شما به درد یک مسلمانی بخورد یا به درد یک مجموعه مسلمانی بخورد آن را انفاق کنید و انفاقات گوناگون.^۱

چرا خداوند عده‌ای را محتاج انفاق قرار داد

ممکن است برای هر فردی این سؤال مطرح شود که چرا بعضی از مردم محروم و نیازمند و مسکین هستند که لازم باشد دیگران به آن‌ها انفاق کنند. آیا بهتر نبود خداوند خودش به آن‌ها هر چه لازم بود می‌داد تا نیازی نداشته باشند که به آن‌ها انفاق شود؟ در پاسخ باید گفت که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا».^۲

خداوند روزی‌اش را به هر که بخواهد گشاده می‌دارد و بر هر کس بخواهد تنگ، چرا که او نسبت به بندگان آگاه و بیناست.

در حقیقت باید گفت: این آزمون و آزمایش برای انسان‌هاست، چرا که برای او همه چیز ممکن است، او می‌خواهد بدین وسیله انسان‌ها را تربیت کند و روح سخاوت و فداکاری و از خود گذشتگی را در آن‌ها پرورش دهد.

^۱ بیانات امام خامنه‌ای در جلسه‌ی هشتم تفسیر سوره‌ی بقره (۱۳۷۰/۰۷/۲۴).

^۲ اسراء، ۳۰.

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا
وَعَلَانِيَةً»

مولی علی(ع) می‌فرماید: «ای سفیدها (نقره‌ها و دراهم) و ای زردها (دینارها و طلاها) بروید و
غیر از علی را فریب دهید که علی فریب شما را نخواهد خورد.»^۲

همچنین از احوالات امام حسن(ع) وارد شده که مردی خدمت آن حضرت رسید و اظهار فقر و
پشیمانی کرد، حضرت خزانه‌دار خود را خواست و فرمود چه مقدار مال نزد توست؟ عرض کرد
دوازده هزار درهم فرمود آن را به این مرد فقیر بده و من از او خجالت می‌کشم. خزانه‌دار عرض
کرد دیگر چیی از برای مخارج باقی نمی‌ماند فرمود تو آن را به فقیر بده و حسن ظن به خدا
داشته باش. حق تعالی تدارک می‌فرماید. پس از آنکه خزانه‌دار آن را به او داد حضرت او را
طلبید و عذرخواهی کرد و فرمود ما حق تو را ندادیم لکن آن قدر که نزد ما بود به تو دادیم.
همچنین حضرت مجتبی(ع) در طول عمر خود دو بار تمام اموال خود را در راه خدا خرج کرد و
سه بار ثروت خود را به دو نیم تقسیم کرد. نصف آن را برای خود نگه داشت و نصف دیگر را در
راه خدا بذل و بخشش کرد.^۳

ابن عساکر از مورخان نامی که کتاب وی از معروف‌ترین کتب تاریخی است می‌گوید: شخص
مستمندی در کوچه‌های مدینه به راه افتاد تا به در خانه‌ی امام حسین(ع) رسید. در خانه را
کوبید و شروع کرد به خواندن اشعاری به این مضامین: «کسی که حلقه در خانه تو را بکوبد
ناامید برنمی‌گردد. تو صاحب جود و معدن کرم هستی...». امام حسین(ع) در حال نماز بود.
صدای کوبیدن در و تقاضای سائل را که شنید، نماز خود را با سرعت به پایان رساند. از منزل
بیرون آمد، به چهره‌ی مرد سائل نگاه کرد. فقر و تنگدستی از چهره‌اش می‌بارید. امام به داخل
خانه بازگشت و از قنبر سؤال کرد: از وجوه مربوط به مخارج زندگی ما چیزی نزد تو مانده
است؟ قنبر جواب داد: دویست درهم موجود است. که فرمودید در میان اهل بیت شما تقسیم
کنم. فرمود: آن را بیاور، زیرا کسی آمده که به گرفتن آن سزاوار است. امام پول‌ها را گرفت و از
خانه خارج شد و آن را به مرد سائل داد و شعری با این مضمون سرود: «ای مرد این پول را از
من بگیر و من عذر می‌خواهم و بدان نسبت به تو مهربانم. البته اگر وضع به این گونه نبود و

^۱ شرح کشف المراد، علی محمدی، ص ۴۹۸.

^۲ همان، مأخذ ۲۳۸.

^۳ آینده‌ای بهتر در پرتو انفاق، ص ۳۰۳.

امکانات مادی اهل بیت بهتر از این بود، آسمان کرم ما باران رحمت خود را بر زندگی تو فرو می‌ریخت و زندگانی پزمرده‌ی تو را به صورت گلستانی در می‌آورد. شرایط روزگار این‌گونه است که امکانات در دست دیگران بوده دست ما خالی باشد». مرد عرب پول‌ها را گرفت و با خوشحالی مراجعت کرد. در حالی که اشعاری با این مضمون را با خود زمزمه می‌کرد: «شما پاک و مطهرید، هر کجا که نام شما برده شود درود و تحیات الهی همراه آن است شما برترید و علم کتاب نزد شماست.»^۱

ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» نقل می‌کند: پس از شهادت امام حسین (ع) اثر زخمی بر پشت مبارک او دیده شد، از امام سجاد (ع) راجع به آن سؤال کردند. فرمود: اثر آن انبان‌های غذایی است که به پشت مبارک خود می‌گرفت و در تاریکی شب برای بیوه‌زنان و یتیمان و سالکین می‌برد.

همچنین در زندگی امام سجاد (ع) که در شب‌های تاریک غذا به در خانه‌ی فقرا می‌برد و صورت خود را می‌پوشاند تا کسی او را نشناسد، او از هم‌غذا شدن با فقرا و سالکین لذت می‌برد و حتی با دست خود لقمه به دهان آن‌ها می‌گذاشت. امام صادق (ع) می‌فرماید: «علی بن الحسین شبانه انبانی که حاوی کیسه‌های درهم و دینار بود بر دوش می‌کشید و در کوچه‌های مدینه به‌راه می‌افتاد و خانه به خانه در می‌زد و هر کس خارج می‌شد به او عطا می‌کرد.

امام سجاد در روزهای جمعه به کنیز خود فرمود: «امروز جمعه است به همه‌ی سائلین احسان کنید، عرض کرد آقا، همه مستحق نیستند، فرمود: شاید بعضی مستحق باشند و ما مغضوب شویم.»^۲

نتیجه‌گیری

انفاق و احسان و نیکوکاری یک وظیفه‌ی همگانی و شرعی است که با فطرت انسانی نیز سازگار و هماهنگ می‌باشد و در آیات قرآن و سخنان ائمه (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع نوعی تعدیل‌کننده‌ی اقتصادی به حساب می‌آید که باعث فقرزدایی و کاهش آلام دردمندان می‌شود، و آن دسته از افرادی که به‌مدت لطف الهی از امکانات مالی برخوردارند می‌توانند قدم در این راه پُرخیر و برکت بگذارند و با شناسایی کاستی‌ها و تلاش برای رفع آن‌ها، امنیت خاطر افراد جامعه

^۱ همان مأخذ، ص ۳۰۴.

^۲ آینده‌ای بهتر در پرتو انفاق، ص ۳۰۶-۳۰۵.

را ارتقاء بخشیده و خود نیز از آن بهره بگیرند؛ چرا که خداوند مهربان فرموده: «اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید.» به فرموده‌ی امام خامنه‌ای اصل قضیه در انفاق دل کردن از تعلقات است. دل کردن از آن چیزی است که انسان آن را متعلق به خود می‌داند. خداوند عده‌ای را محتاج انفاق قرار داد. در واقع این نیاز آزمون و آزمایش برای انسان‌هاست. چرا که برای خدا همه چیز ممکن است. خداوند می‌خواهد بدین وسیله انسان‌ها را تربیت کند و روح سخاوت و فداکاری و از خود گذشتگی را در آن‌ها پرورش دهد. محبوبیت در بین مردم، اصلاح انسان بدکار و دشمن، بزرگی و عظمت، کفاره‌ی گناهان از آثار انفاق و احسان است. از آثار معنوی انفاق نیز می‌توان گفت: که انفاق موجب جلب پاداش‌های عظیم و رسیدن به بهشت الهی می‌شود و موجب نجات از عذاب دردناک الهی می‌شود. وقتی که بشر فهمید خودش بنده‌ی خدا است، همه چیزش از خداست، خودش را و همه چیزش را ملک خدا می‌داند، بنابر این انفاق و احسان کردن برایش سخت نمی‌شود. فقرزدایی، افزایش مال، بیمه کردن مال، عمران شهرها و... نیز از آثار فردی و اجتماعی انفاق و احسان است. انفاق و احسان راهی است که به بهشت منتهی می‌شود و حیاط طیبه‌ی انسان را تضمین می‌کند به شرط آنکه از پرتگاه، ریا، منت و تحقیر و غرور و عجب به سلامت بگذرد. ملاک در اولویت برای انفاق نخست قرابت است و سپس نیاز مگر آن‌گاه که حیات فرد غیرخویشاوند به انفاق وابسته باشد. از شرایط انفاق و احسان ارزشمند این است که از بهترین قسمت مال انتخاب شود، نه از اموال کم‌ارزش. از اموالی باشد که مورد نیاز انسان باشد. انفاق اگر مخفی باشد بهتر است. هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد. انفاق باید توأم با اخلاص و نیت پاک باشد. خلاصه اینکه انفاق باید از اموال حلال باشد. چرا که خداوند از پرهیزگاران قبول می‌کند.

از انفاق‌کنندگان نمونه پس از رسول خدا(ص) امام علی(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را نام برد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر چیزی را در راه خدا انفاق کنید، جای آن را پُر می‌کند، و او بهترین روزی‌دهندگان است. انفاق‌کنندگان ثواب مجاهدان و شادی در روز قیامت را پاداش می‌گیرند.

خود خدا پاداش انفاق‌کنندگان را بر عهده گرفته است. ان شاء الله همه ما انسان‌ها از انفاق‌کنندگان باشیم. والسلام.

فهرست منابع و مآخذ

۱- قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.

- ۲- نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، دفتر نشر الهادی - مؤسسه‌ی چاپ الهادی، پاییز ۷۹.
- ۳- ابن فارس، احمد بن فارس، مقائیس اللغه، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر بیروت: در صادر، ۷۱۱ ق.
- ۵- ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه، دار العلم، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- ۶- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی رضا ناظمیان، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۹.
- ۷- بیانات امام خامنه‌ای در جلسه‌ی هشتم، تفسیر سوره‌ی بقره، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴.
- ۸- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الحکم، ترجمه‌ی آیت‌الله محسن غرویان، آتشکده، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
- ۹- جولایی، محمدرضا، صدقه و تأثیرات شگفت‌انگیز آن، روزنامه‌ی کیهان، ۹۷ ش.
- ۱۰- دستغیر، سیدعبدالحسین، اخلاق و انفاق، دفتر انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت(ع)
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، داوودی، صفوان عدنان، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۲- روانی‌پور، غلامرضا - عصای نامرئی، صالحان، چاپ اول ۱۳۸۸.
- ۱۳- شریف، الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم، الهادی، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۴- شکرانی، رضا، اولویت‌سنجی انفاق در قرآن و حدیث، مطالعات قرآن و حدیث، سال دهم، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
- ۱۵- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۱۳۷۴ ش.
- ۱۶- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه‌ی لطیف راشدی، نشر صبح پیروزی، ۱۳۹۶ ش.
- ۱۷- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ترجمه مکارم شیرازی، قم، بنیاد علمی و فرهنگی، علامه طباطبائی، تهران، رجاء، ۱۳۹۷ ش.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه و تفسیر مجمع البیان، ترجمه و نگارش احمد بهشتی، نشر: تهران: فراهانی، ۱۳۵۹ ش.
- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، تبیان فی تفسیر القرآن، نشر آل البيت(ع)، چاپ ۱۳۸۶.

- ۲۰- علمی سولا، محمد صادق، مقاله انفاق و جایگاه آن در توسعه و ترویج علم و دانش، محل انتشار، فصلنامه راهبرد توسعه، ۱۳۹۷ ش.
- ۲۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دار احیاء، سوییذی حیدر، سال نشر ۱۴۲۱ ق.
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، انتشارات مفید.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکانی، نشر بیروت، دار المتعارف، للمطبوعات، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۴- مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، ناشر دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- ۲۵- میبیدی، عبدالرزاق، شرح باب حوائج، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۷- مشکینی، علی، نصایح سخنان چهار معصوم(ع)، ترجمه آیت الله احمد جنتی، الهادی، چاپ ۱۳۸۵ ش.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، الجامعه اخبار الائمه(ع)، بیروت، دار الاحیاء، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
- ۲۹- محمدی، علی، شرح کشف المراد، علامه حلی، حسن بن یوسف، دار الفکر، قم، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۰- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- ۳۱- محدثی، جواد، انفاق، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ ش.
- ۳۲- واعظی، حسین، آینده ای بهتر در پرتو انفاق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.